

THE NEW YORK TIMES BEST-SELLING CLASSIC

"THE LONG HALLOWEEN is more than a comic book. It's an epic tragedy."

— Christopher Nolan (director *The Dark Knight Rises*)

# «بتمن: هالووین طولانی»

تنظیم و بازنویسی: سید محمدعلی شیخ الاسلام نوری

(قسمت سوم)

BATMAN THE LONG HALLOWEEN



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

MRTsoft

# «بتمن: هالووین طولانی»



نویسنده: جف لوب

طراح: تیم سیل

1997

تنظیم و بازنویسی: سید محمدعلی شیخ الاسلام نوری

(قسمت سوم)

\*هالووین طولانی بیش از یک کتاب کمیک است. این یک تراژدی حماسی است.\*

کریستوفر نولان، کارگردان سه‌گانه شوالیه تاریکی



جوکر: فصل شادی اومده، اون بیرون خیلی سرده...



جوکر: دام دام دام!



جوکر: تعطیلات کشنده اس، پسر!



هاروی دنت: گیلدا، این چه مدل درخت کریسمسه؟!



جوکر: گیلدا؟!!



جوکر: پس اسمش گیلداست!



هاروی دنت: تو؟!



جوکر: ببخشید...



جوکر: دنبال این می گردی!؟



جوکر: هاهah



جوکر: آروم باش، عزیزم!





جوکر: این تفنگ پلیسیه، از دسته‌اش معلومه...



هاروی دنت: همسرم کجاست؟



جوکر: موقعی که من اومدم، اون رفت بیرون، فکر کنم فروشگاه...



جوکر: واقعا حیف شد که نموند تا با هم یه قهوه بخوریم!



هاروی دنت: تو چی می خواهی؟!



جوکر: تو داری نقش بابانوئل رو بازی می کنی؟!



جوکر: خیلی خب، من یه توپ فوتبال می خوام!



جوکر: شایدم یه بشقاب پر از ماکارونی، تا یه پیامو برسونم...



جوکر: آقای دنت!





هاروی دنت: اسلحه رو بزار کنار تا حرف بزنیم...



جوکر: باشه!



بنگ





جوکر: هاهاهاها



بنگ



جوکر: هاهاهاهاهاهاهاها



بنگ



بنگ



هوووچ



بنگ



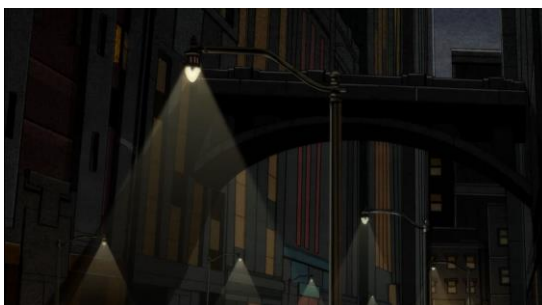
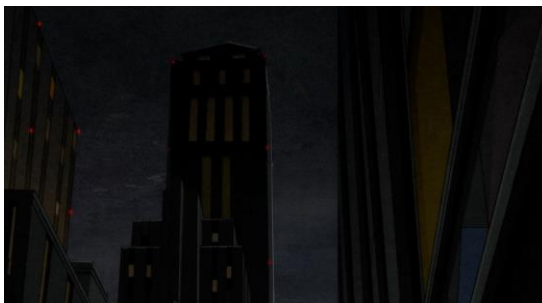
جوکر: ایول!



بنگ



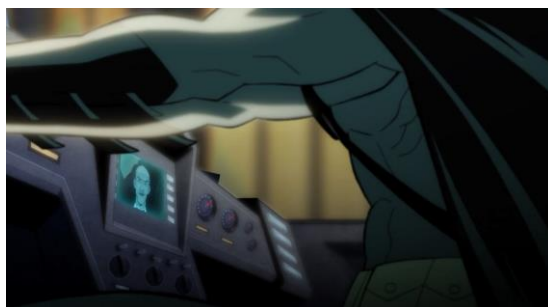
هاروی دنت: لعنتی!



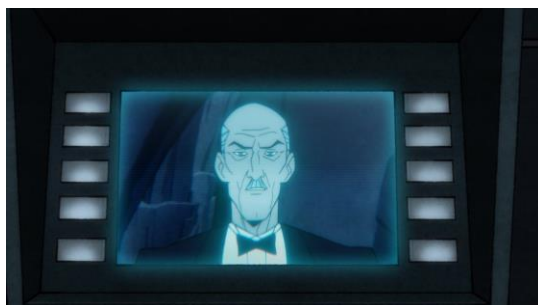




آلفرد پنیورث: ارباب بروس، حدستون درست بود...



آلفرد پنیورث: طبق گزارش مامورین پلیس، سه تا خانواده ساکن در محله قبلی آقای دنت سلاخی شدن...



آلفرد پنیورث: بعد از اونم چند نفر جوکر رو شناسایی کردن که داره به طرف محله سانتوان میره...



آلفرد پنیورث: خونه فعلی آقای دنت!



جوکر: هاهاهاهاهاهاهاهاها



تیک تیک



جوکر: خالیه!



هاروی دنت: نوبت منه!



جوکر: چته؟!



شترق





تلق



شتلق



ترق





شتلق



جوکر: هاهاهاهاهاهاهاهاهاهاهاها



جوکر: یہ ضربہ صد امتیازی!





هاروی دنت: این رو از کجا آوردی!؟



جوکر: چطور؟ آشناست!؟



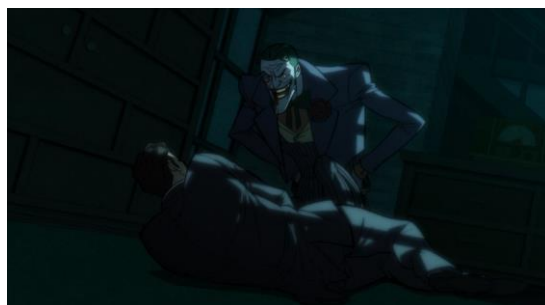




جوکر: می تونی کمی داد بزنی....



جوکر: تا حالا درباره دلکک قاتل چیزی شنیدی!؟



جوکر: که از تیمارستان فرار کرده و سر و کله اش توی خونه دادستانی پیدا شده که...



جوکر: احتمالا خودش یه آدمکشه!



جوکر: میبینی، این وسط یه شایعه همیشگی هست که میگه...



جوکر: دادستان دنت اون چیزی نیست که خودش رو نشون داده!





جوکر: اما توی گاتهام فقط یه جا برای یه قاتل روانی وجود داره...



جوکر: و اگه بشنوم، هاروی دنت...



جوکر: بخواد اون جایگاه رو تصاحب کنه...



جوکر: مطمئن میشم که گیلدا کوچولو دیگه هیچوقت از خرید بر نمی‌گرده!



هاروی دنت: تو به این میگی جوک!؟



جوکر: هنوز آخرشو نشنیدی...



جوکر: این خنده داره!



شترق



جوکر: هاهah



جوکر: شب بخیر جناب دنت!





هاروی دنت: آخ!



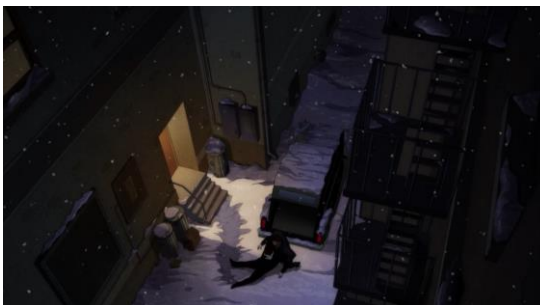
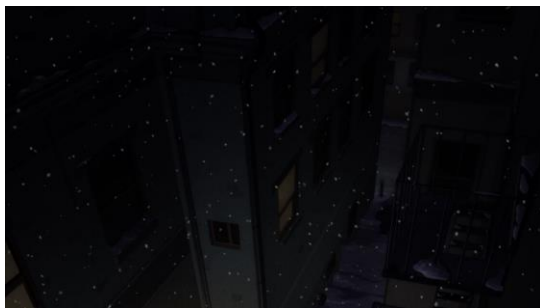
بتمن: فهمیدی کجا می خواد بره؟



جوکر: شایدم یه بشقاب پر از ماکارونی، تا یه پیامو برسونم...



هاروی دنت: مارونی....











تلق



بتمن: صورت راننده‌ات چی شده، مارونی؟



سالواتور مارونی: به تو چه؟!



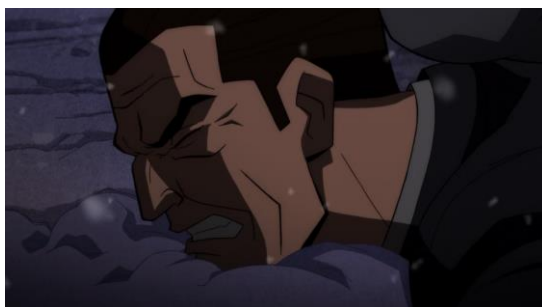
سالواتور مارونی: آی!

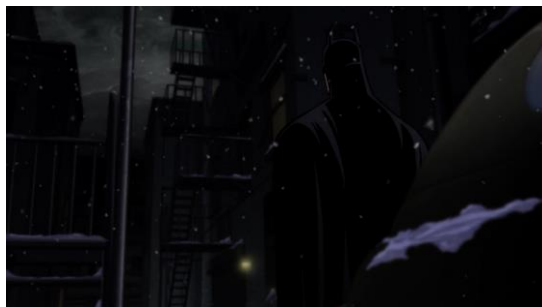


یتمن: همه چی رو باید بهم بگی!



سالواتور مارونی: اگه از روی گردنم پاشی!





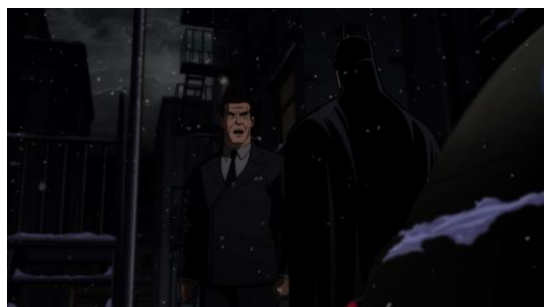
بتمن: خب، حرف بزن...



سالواتور مارونی: وقتی وارد رستورانم شدم، جوکر اونجا بود...



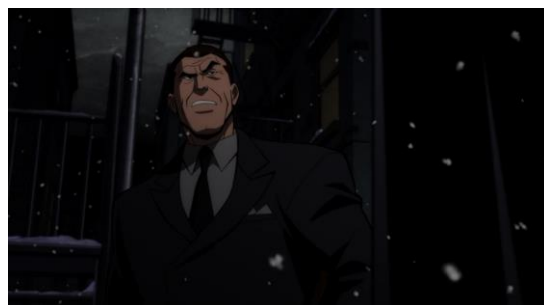
سالواتور مارونی: نوشیدنی رو مسموم کرده بود...



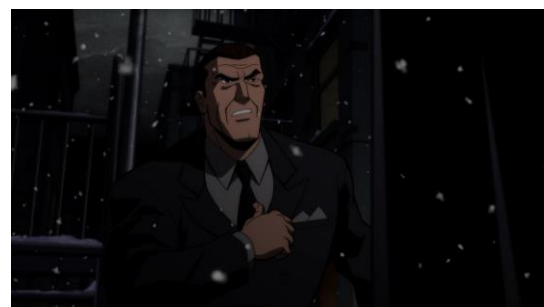
سالواتور مارونی: اما خوشبختانه من رو ول کرد!



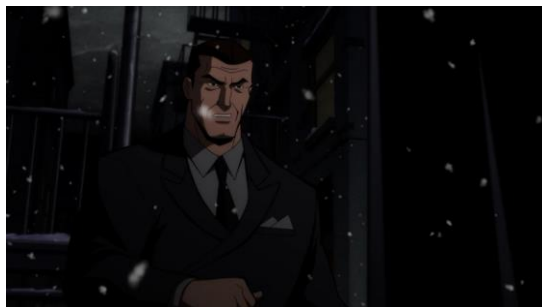
بتمن: اون می تونست تو رو هم بکشه، چرا اینکار رو نکرد؟!



سالواتور مارونی: می خوام تو، منو بکش و کار اون رو کامل کن!



سالواتور مارونی: اون دیوونه روی من اسلحه کشید و گفت این شهر مال اونه...



سالواتور مارونی: : و اینکه می‌خواد کلک همه مزاحم‌ها رو بکنه!



بتمن: یعنی می‌خوای باور کنم که تو فراریش ندادی!؟



سالواتور مارونی: نمی‌دونم چطوری فرار کرده، اون مثل شیطان می‌مونه!



سالواتور مارونی: یه چیز دیگه هم گذاشت، توی جیبم بود...





سالواتور مارونی: آره، خودشه!



سالواتور مارونی: گفت که احتمالا تو میای سراغش رو از من بگیری، گفت اینو بهت بدم...



بتمن: نگفت کجا میره؟ اشاره‌ای نکرد؟



سالواتور مارونی: نه، ولی اگه اون کسیه که داره افراد فالكونی رو می‌کشه...



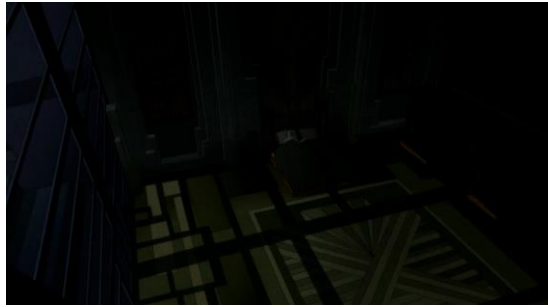
سالواتور مارونی: چیزی نمونده که به خود کارماین هم برسه!



سالواتور مارونی: به هر حال اون درست مثل خودته...



سالواتور مارونی: شاید حتی ترسناک تر از...

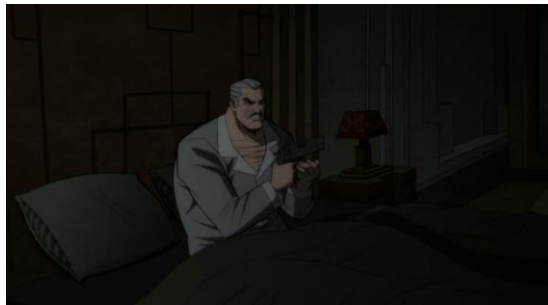




کارماین فالكونی: اشتباه بزرگی کردی!



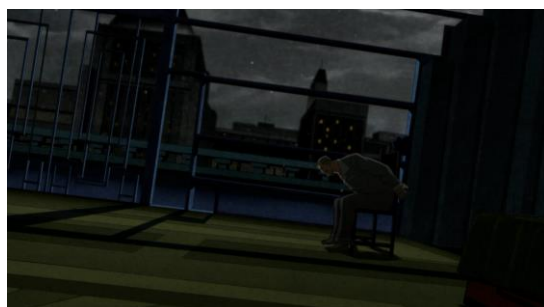
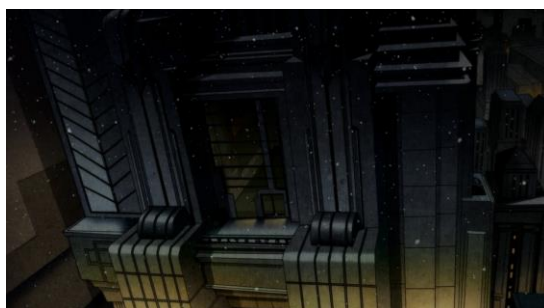
تیک تیک





جوکر: نه، آقای فالکونی، من هرگز اشتباه نمی‌کنم!





جوکر: چه خبره، پیرمرد!



جوکر: این همه لباس برای یه فسیل؟!



کارماین فالکونی: مسخره‌بازی رو تموم کن، می‌خوای بکشی؟ خب، بکش!



جوکر: به نظرت من شبیه یه قاتلم؟!





جوکر: فکر کنم، آره!



جوکر: هاهاهاهاهاها





جوکر: آروم باش پیری، قرار نیست بکشم، حداقل امشب نه، آخه امشب...



جوکر: کریسمسه!



جوکر: حیفه که امشب بدون هیجان باشه، قاتل هم اینو می‌دونه، با این حال نمی‌خواد زود بازی رو تموم کنه...



جوکر: ولی می‌خواد بهت نشون بده که اگه بخواد، می‌تونه هر لحظه تو رو بکشه...



جوکر: پس امشب یکی از نزدیکانت باید بمیره...



جوکر: شاید خیلیم بهت نزدیک باشه!



جوکر: من فقط دارم عملکرد قاتلمون رو پیش‌بینی می‌کنم...



جوکر: نمی‌خواهی بدونی کی ماشه رو می‌کشه؟!



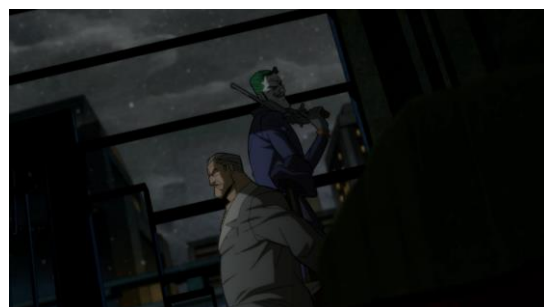
جوکر: به مسیح اگه بتونی حدس بزنی!



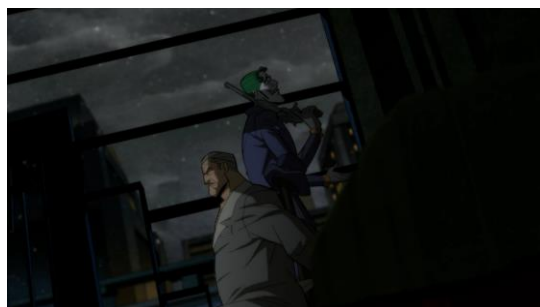
جوکر: بتمنم نمی تونه حدس بزنه، تو که دیگه جای خود داری!



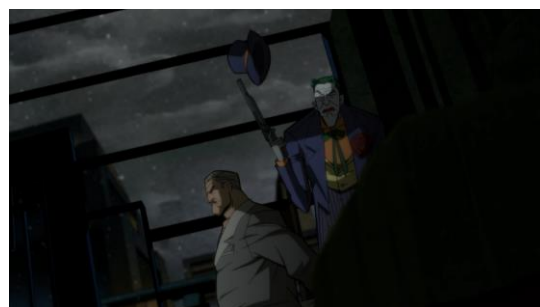
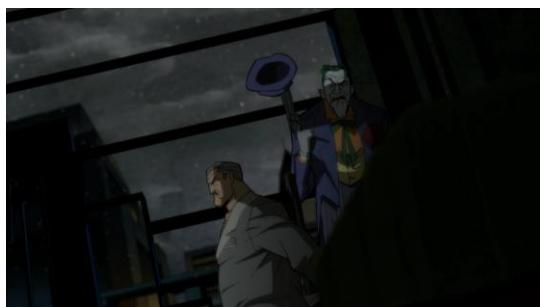
جوکر: ولی من پرونده رو حل کردم!



جوکر: اومدم بهت بگم که اگه خواستی می تونم قاتل رو بکشم...



جوکر: بدون هیچ انتظاری، لذت بردن از اینکار، پاداش منه!





جوکر: فکر نکن دارم توی کارت فضولی می کنم، نه کنجاوی حرفه ایه!



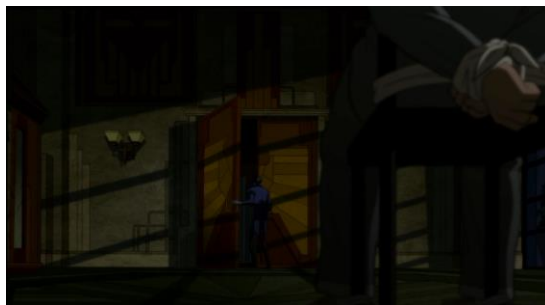
جوکر: اینم کارت منه...



جوکر: مطمئنم که حالا گمش نمی کنی!



جوکر: کریسمس مبارک!





تبهکار محافظ: چی؟!





جوکر: خودشه!



جوکر: هاهاهاهاهاهاها





بنگ



بنگ





بنگ





بنگ





بنگ



بنگ





بنگ



ترررق



جوکر: متشکرم!



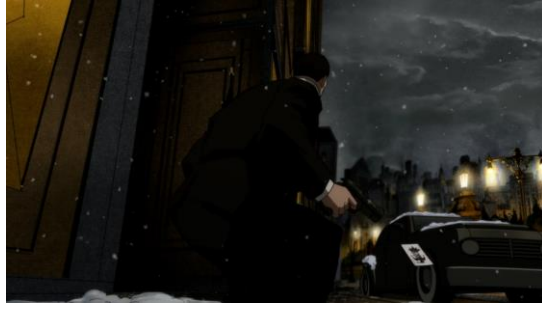
بنگ



نگهبان محافظ: نمی تونی فرار کنی....







بنگ







آلفرد پنیورث: بزارید یادتون بیارم، قربان...



آلفرد پنیورث: امشب، مراسم اهدای سودسالانه برای بیمارستان گاتهام، توسط آقای فالكونيه...



آلفرد پنیورث: بهتره حداقل سالی یکبار خودتون رو نشون بدین!



آلفرد پنیورث: پدرتون اون بیمارستان رو ساخت....



آلفرد پنیورث: و دلیل بهتری هم وجود داره، دوشیزه کایل هم در اون کشتی تفریحی هست...



آلفرد پنیورث: بعد از افتتاح شب شکرگذاری، این شاید آخرین فرصتون باشه!



بروس وین: سه قتل در سه عید...



بروس وین: مقتولها از افراد فالکونی بودن...



بروس وین: بهشون از نوع همون اسلحه غیرقابل ردیابی شلیک شده...



بروس وین: هر بار، بدون شاهد!



بروس وین: مظنونین...



بروس وین: سالواتور مارونی، خانواده اون همیشه رقیب فالكونی بودن...



بروس وین: اما پشت این قتلها، حالت کینه جویانه و نمایشی بودن وجود داره، که نمی تونه کار مارونی باشه!



بروس وین: به علاوه افراد فالکونی و مارونی توی روز روشن هم با همدیگه درگیرن...



بروس وین: چرا باید حتما شب‌های تعطیلی کارشون رو انجام بدن!؟



بروس وین: کارلا ویتی، خواهر فالکونی، تشکیلات شیکاگو رو می‌گردونه، ممکنه طمع کرده باشه...



آلفرد پنیورث: با کشتن پسرش توی هالووین!؟



بروس وین: اونا یه مشت تبهکارن، آلفرد!



بروس وین: و این یه قاتل روانیه، نگهبان اعتراف کرده که جوکر قبل از هالووین فرار کرده...



بروس وین: خود فالکونی، می خواسته از شر جانی ویتی خلاص بشه...



بروس وین: و اون تبهکار مفرنگی هم می تونست شهادت بده که فالکونی دستور قتل دنت رو داده...



بروس وین: اون انگیزه داشته که هر دوی اونا رو بکشه، ولی چرا محافظ خودشو بکشه؟!



آلفرد پنیورث: میشه بپرسم چرا مظنون پنجم رو حذف کردین؟!

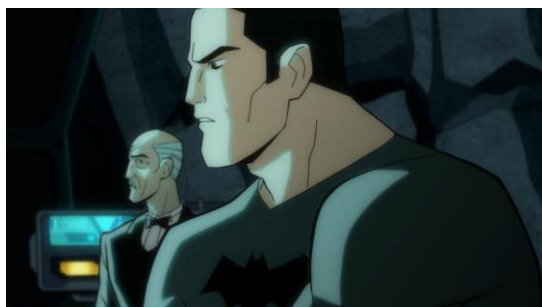


بروس وین: چون خوشم نیومد...

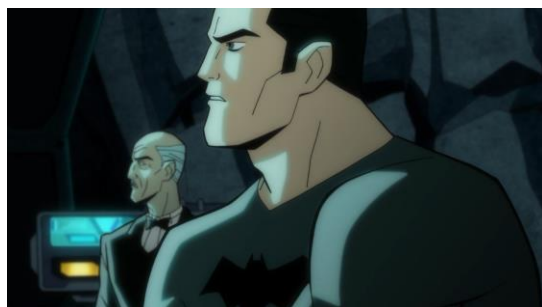


آلفرد پنیورث: ولی بهش می خوره، مگه نه؟





بروس وین: بیشتر از همه این مظنونان!



بروس وین: می‌خواد که فالکونی رو زمین بزنه...



بروس وین: سال قبل مجوز حمل سلاحش، به خاطر رفتارهای پرخاشگرانه طی آزمایش روانی، باطل شد!



بروس وین: ممکنه کس دیگه‌ای هم باشه...



بروس وین: کسی که حتی فکرش هم نمی‌کنیم!



بروس وین: راستش فکر می‌کردم این پرونده هم مثل قبلی هاست...



بروس وین: ولی این یکی فرق داره، یه کینه پشت این ماجراست و قاتل داره بازی می‌کنه...

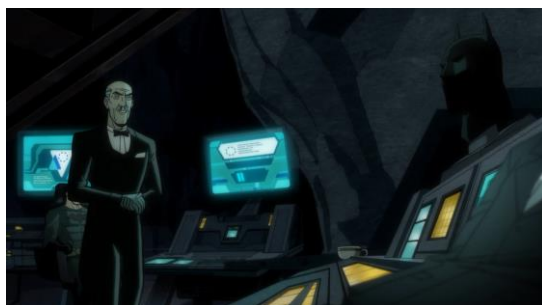




بروس وین: اگه نتونم بگیرمش چی، آلفرد؟!



آلفرد پنیورث: اینطور مشغله‌ها رو دیدم، قربان...



آلفرد پنیورث: و تضمین می‌کنم که در آخر، شما این پرونده رو هم حل می‌کنید...



آلفرد پنیورث: حالا بهتره آماده مهمونی بشید!





چش چش چش چش



کارماین فالکونی: میهمانان عزیز من! باعث افتخارمه که امشب بهتون خوش آمد بگم!



کارماین فالکونی: چهره‌های آشنای زیادی رو دارم می‌بینم...



کارماین فالکونی: شهردار...



کارماین فالکونی: عالی جناب...



کارماین فالکونی: نه، با سالواتور مارونی بودم!





کارماین فالکونی: سی سال پیش، گروه کوچکی از کسانی که به گاتهام اهمیت می دادن...



کارماین فالکونی: دور هم جمع شدن که یه چیزی رو بسازن که دولت درش دخالت نداشته باشه...



کارماین فالکونی: دکتر توماس وین و من، بیمارستان کودکان رو ساختیم که به مردم کمک کنیم...



کارماین فالکونی: و اگه من رو بشناسید، می دونید که هیچ چیز برای من مهم تر از خانواده نیست!

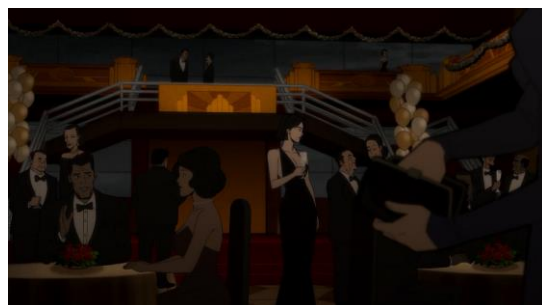




کارماین فالکونی: خب، سال نو مبارک!



چش چش چش چش





تلق



سلينا كاييل: من واقعا متاسفم! بزاريد كمكتون كنم...



زن ثروتمند: خوبم، ممنون!



سلینا کایل: نه، من ممنونم!



کارماین فالکونی: یه چیز دیگه، و بعدش قول میدم بزارم از مهمونی لذت ببرید...



کارماین فالکونی: علاقه دارم که از یک نفر تشکر کنم...



کارماین فالكونی: همون طوری که گفتم هیچ چیز مهم تر از خانواده نیست، و تنها افسوس من...



کارماین فالكونی: اینکه نتونستم برای این مرد شبیه خانواده باشم...



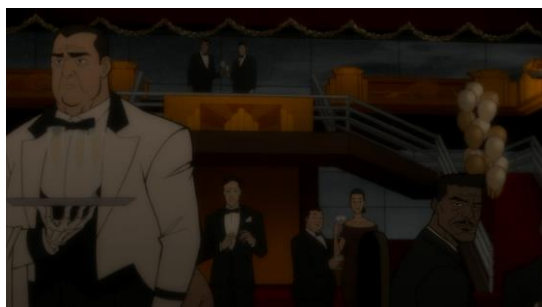
کارماین فالكونی: ما هیچوقت درباره جزئیات با هم توافق نکردیم...



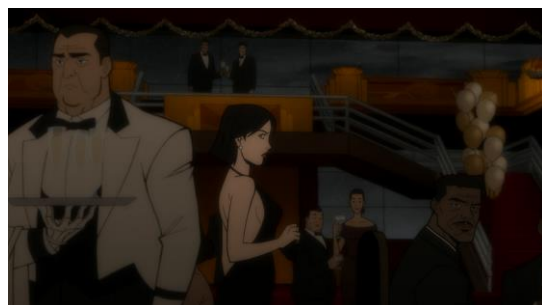
کارماین فالكونی: اما ما درباره مهم ترین چیزها توافق داریم...



کارماین فالکونی: ما به خانواده باور داریم...



کارماین فالکونی: ما به تجارت باور داریم...



کارماین فالکونی: و مثل همه شما که امشب اینجا هستید، به شهر گاتهام باور داریم...



کارماین فالکونی: خانمها و آقایان...



کارماین فالکونی: پسر نداشته‌ام...



کارماین فالکونی: آقای بروس وین!





چش چش چش چش









گیلدا دنت: مثل اینکه تو اصلا متوجه نیستی، امشب خطرناکه بیرون باشیم!



هاروی دنت: خونه باشم که افسردگی تو رو تحمل کنم؟!!



جیمز گوردون: هی، هاروی!





هاروی دنت: جیم؟!



هاروی دنت: الان نباید پیش افرادت باشی؟!



جیمز گوردون: هستم!



جیمز گوردون: این بزرگترین واقعه‌ای هست که پلیس گاتهام به عمرش دیده...



جیمز گوردون: موقع کریسمس به فنا رفتیم، ولی خدا به داد اون قاتل برسه اگه امشب بخواد غلطی بکنه!





جوکر: خلبان مرده، چک شد!



جوکر: خدمه مردن، چک شد!



جوکر: گازهای سمی، چک شد!



جوکر: وقتشه سال نو رو جشن بگیریم!



پرررررتتتتتت



جوکر: خانمها و آقایان، کمربندهاتون رو سفت ببندین...



جوکر: چون اصلا نمی دونم چطوری باید با این پرواز کنم!



جوکر: هاهah









بروس وین: به نظر میرسه یه مهمونی واقعیه!



سلینا کایل: پس بیرون چیکار می کنی؟!



بروس وین: نمی دونم، یه حسی بهم میگه امشب باید اینجا باشم...





سلینا کایل: ما، ببین ما هنوز با همدیگه حرف هم نزدیم...



سلینا کایل: و فکر کنم باید الان بزنی...



سلینا کایل: حس می کنم یه چیزی بینمون فاصله انداخته...



سلینا کایل: هر بار که میایم کنار هم باشیم، یه اتفاقی میفته، می دونیم که دلش چیه...



سلینا کایل: هنوز دربارش با هم حرف نزدیم، ولی می دونیم که من و تو با هم فرق داریم...



سلینا کایل: تلاش خوبی بود، ولی فکر نکنم که بتونیم با هم ازدواج کنیم...



بروس وین: می دونم که چند بار نشد کنارت باشم، ولی نباید پایان بدیم به این حسی که وجود داره...



سلینا کایل: وجود داشت!





سلينا كاييل: خدا حافظ، بروس وين!







بروس وین: کی اینکار رو کردی؟!



سلینا کایل: چه کاری؟!



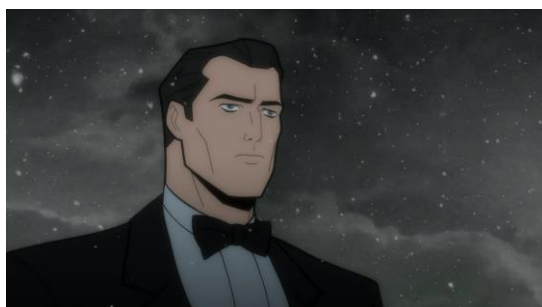
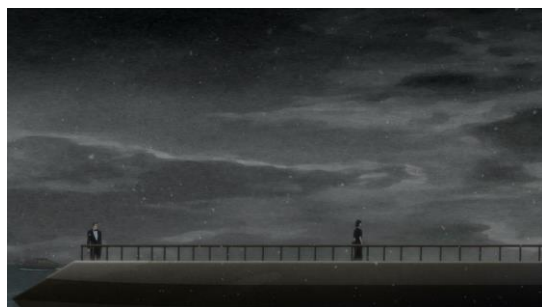
بروس وین: ساعت منو باز کردی، بدون اینکه من متوجه بشم!



بروس وین: کاریت ندارم، بگو کی اینکار رو کردی، می خوام بدونم...



سلینا کایل: بذار یه نصیحتی بهت بکنم، اینجا کنجکاوی به کشتنت می‌ده!

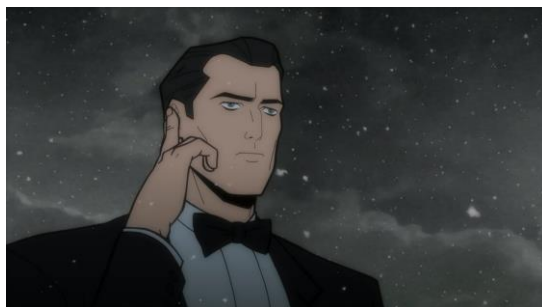


زن گربه‌ای: بذار یه نصیحتی بهت بکنم، اینجا کنجکاوی به کشتنت می‌ده!





آلفرد پنیورث: ارباب بروس...



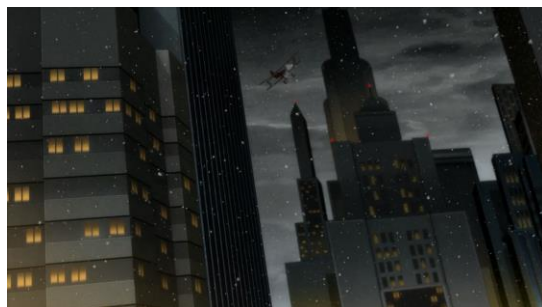
آلفرد پنیورث: گزارش شده که یه هواپیما دزدیده شده، خدمه و خلبان با گاز خنده مسموم شدن...



بروس وین: جوکر!



مردم: چه خبر شده؟!





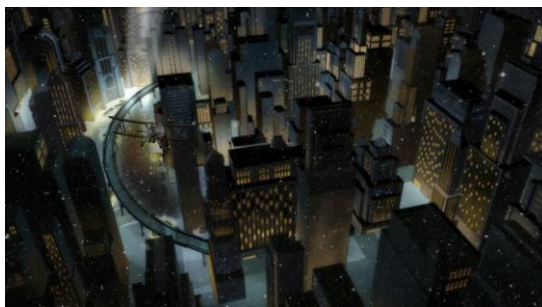
جیمز گوردون: بخوابید!







مردم: انگار به خیر گذشت!

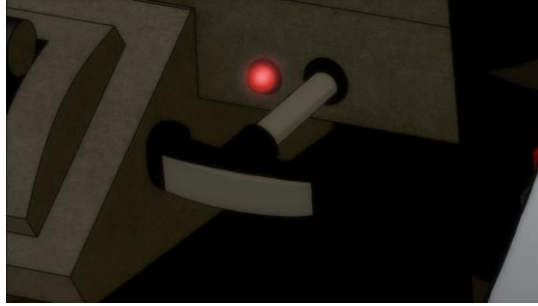


جوکر: آخه این چه مرگشه!؟



جوکر: خاک توی سرم! ضامنش اینه...





جوکر: حالا شد!



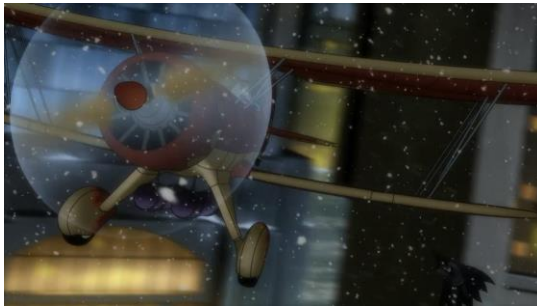


هووووپ



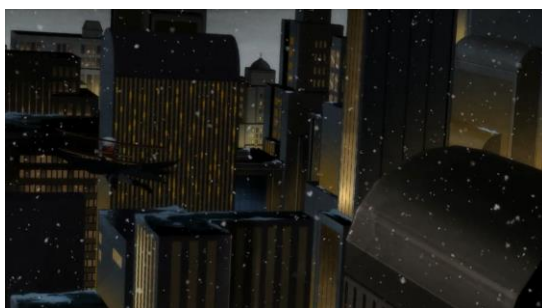
تق





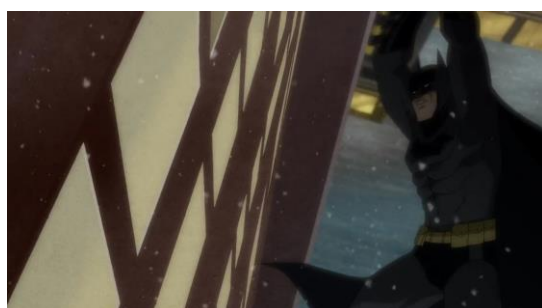
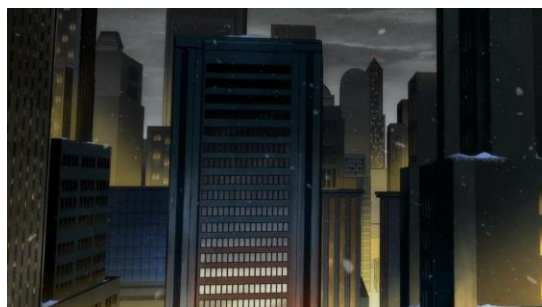


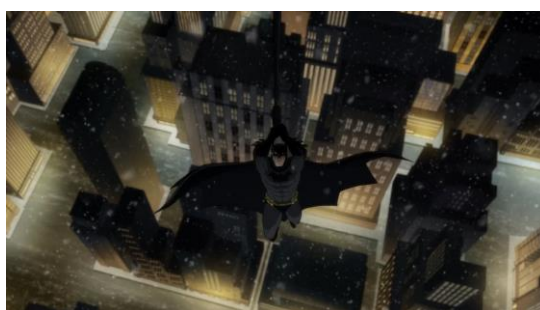
جوکر: خوبه، اینطوری بیشتر خوش می‌گذره!





جوکر: اینم هدیه کریسمس من به بتمن!





مامور پلیس: منطقه باید تخلیه بشه، همگی آرامش خودتون رو حفظ کنید!







بتمن: پس کجاست!!



شلق



جوکر: ہاہاہا





جوکر: ہا ہا ہا ہا ہا ہا ہا ہا ہا ہا







بتمن: چی رو می خوای با این کارات ثابت کنی، جوکر؟!



جوکر: ثابت کردن؟! راجع به چی حرف می زنی؟



بتمن: چرا جانی ویتی رو کشتی؟

ادامه دارد...

DC DELUXE

# BATMAN

## THE LONG HALLOWEEN

JEPH LOEB TIM SALE

